پژوهشی در سند و متن
حديث («كنز مخفی»)

دکتر پرویز رستگار
استادیار دانشگاه کاشان

چکیده:
حديث «كنز مخفی» یکی از رایج ترین مستندات حدیثی اهل تصفوف و پیروان مکتب ذوی و اشاره است که ترتیب محور، همچون حدیثی متوان، ارزشمند و مقبول است. با این همه، حدیث یاد شده از خدشنهای سنگی و بعضاً متنی که از سوی مخصوصان فن حدیث و منتقلان صوفیه متوجه آن شده، بر بکار نیوده است. مقاله حاضر، نگاهی است به تاریخچه و شیوه‌های کاربرد حديث مذکور و جوانب متنی و سندری آن، و داوری درباره هر یک از این دو.

کلیدواژه‌ها:
حديث، سند، متن، کنز مخفی، تصفوف.

1. در آمد
اندیشه کردن در رخدادهای ریز و درشت جهان، دغدغه همواره کسی است که برخلاف توجه مردم، تکرار و روابط خود را از دست دهد. آنان را در کمک به تکرار و یا تفکری گسترده کنند و فکر جوگ از ذهن و کیفیت، به ورود و خستگی ناپذیری در کمین کشف مجهولات و تحلیل مکررات زندگی
است تا از سقوط ساده سبیل از شاخه درختی در گوشه‌ای از جهان پیتاور، به قانونی پر سر و صدا و تأثیرگذار بی نام "قانون جاذبه عمومی" پی بردند. با این همه، آنجنه می‌توانند تار و بود زیر بنایی ترین تاکید تاریخ اندیشه بشری را سامان دهد و نشانگر بالاترین نوسانات درنگ‌های آدمی در اوج گیری نیست. خر دوزی و فرشدن به زرافهای خرمندی باشد. دخوگه اندیشه در خاصیت که وارد کردن ایستگاه آغزدیان آفرینش است.

البته، اضافه و اهمیت داشت و پژوهش، هر یک به فراوران حال و مذاق فکری و مکتب مطلوب خود، از زاویه جویراجور و با افق ها و دنیاهای رنگارنگ کوشیده‌اند مشعل هایی از راه‌های آن را به گام‌هایی لرزان، به‌دن نکته تاریک و دخمه و هم آلود هستی راهی پرند که اهل تصور و یا آسان گیران بگویم، عرف.

یکی از این درگیر شدن گان با این بررسی همجنان یک پاسخ‌اند! با اوج گیری و پیشرفت فتوحات مسلمانان در قرون اولیه هجری، در نواحی شمال شرق جهان آن روز اسلام، سرمایه‌های یک امروز آسیای میانه را می‌سازند. به دست پیروان اسلام افغانستان و افروز بر فرمان ولید نیستان این پر قطعاتی از جغرافیای آن روز کرده خاک، حجم انبوهی از تاریخ و آداب و سنن مردم آن سرمایه‌ها نیز به درون جهان اسلام و خانواده‌های مسلمانان راه یافت.

اندیشه‌های قبیل که روزگاری شهر بلحاظ مراکز عمده و نکته وارده کردن این کلیه خرده‌گان و شماری‌هاش در این موضوع تنها به توصیف و کشف‌های تجربی این در سایت‌های گسترده‌ای برای صدور آن عزت کشورهای غرب آسیا بوده، یکی از‌سایت‌های تحلیلی کشورگشایی به شمار می‌آید (دانته‌های مصرف برگ اسلامی، ج ۱۲ ص). این انگیزه‌های جوتو و در گروه‌های واردکننده و شناسایی که حکایت‌هایی که پیام‌های برندی که پیام‌های برندی که فرضی سازمان‌های اسلامی و گروه‌های واردکننده مسلمانان آنها را بدان تجربه می‌کرد، دگردیسی یابد و کم‌کم رنگ و پسوند "اسلام" به خودی‌گیرد!...

بدین ترتیب، تصور اندک اندکی از شکل بی‌سیم و پدیده‌های نخستین خود که
پیروی‌های در سنندگان
حیدر
کنز مخفي

باحش از هر چیز، در «شور» و «وجد» و «جذب» و «حال» بازتاب می‌یافت، خوان‌نواخواه به سوی دنبال برهم‌های و دل آزار قبیل و حال مدرسه‌ها و سنگلاخ استدلال‌ها و مشاجرات و مستند سازی ها کشیده‌شد به اصطلاح «متفلسف» گردید.

قصوف، که دیگر اینک «اسلامی» شده‌بود، به وسیله برای هر چیز بیشتر پذیرفتنی جلوه کردن و نیز استنادگی در برای امواج کومپیوتر حساسیت‌ها و انتقادهایی که از سوی مختلفان و منتقدان آن بر می‌خاست، و از اهلی «عرف خاص» که در نقطه‌های بالایی هرم جامعه جا داشتند، به بدنی و قاعده‌ای که «عرف عمام» و «عرب» نامیده می‌شوند، تزیق می‌شد به سلاله استدلال و برده بحم و عقل همان عقلی که آن را در راه عشق، نابینا، دارای باپی چوبی و سرآور چابیا و سلیقه بوعلى سینایش می‌خواند. مسلح و پشتگرم می‌شد و چه دلیلی بهتر از این هدیه رسول خدا (ص) و یا گفته‌های دیگر چه‌ره‌هایی که به گونه‌های مسلمانان آن‌ان را «عیسی» با «عیسی» و یا «حجت» می‌دانستند و مضمون سخنانشان با آن‌چه را بدبختان شنود می‌شد، گرامی و ارجمند می‌شمردند. از همین ره‌گذر بود که حديث کنز مخفي که کم به گوش رسید و چونان حديث متواتر که نزد اهلی کویی اجتهاد، فوق العاده عزیز و گرامی است، یک مستند بر هواخواه در میان صوفیان شد (التجئیات الالهی، ص) 184 (بناهای شماره 37).

2. حديث کنز مخفي در آثار اهل تصور و اهل ذوق و اشاره به گرجه به گفتگوی یکی از پژوهشگران معاصر، گویای شیخ نجم السادات کریمه که در دهه دوم سده هفتم هجری قمری جان مسیر پذیرفت، نخستین کسی باشد که درباره حديث «کنز مخفي سخن کفته است. (مجله جاویدان خرداد، ص 3). ش 1، ص 27)» به نظر می‌آید. عين القضاس همدانی که در سال 1255هجری قمری کشف کرده شد، سال های پیش از شهادت شیخ نجم السادات کریمه به دست مغول‌ها، در چند جای یکی از آثار خود به حديث مورد بهثو، اشاره کرده است (رسالة لواج، ص 10، ص 12، ص 56، ص 55، ص 125).
مطبوعات
عکسات
شماره دوره
۷۳

سپس بر روی‌هان بقیه شیرازی (ف.۶۰۶ هجری)، در یکی از نوشته‌های خود، اشاره ای گذرا بیهارای از حديث بیاد شده، داستان است (شرح شطح‌نوازی، ص۱۶ و ۱۹۶).
پس از این در چهره شناخته شده و نامدار عالم تصور بود که شیخ نجم الدين کبری، احمد بن عمر بن محمد خوازرمی خیوی (در گذشتگاه ۶۱۸ هجری)، در یکی از نوشته‌های خود، با (حديث قدسی)، خواندن حديث «کن مختف» متن آن را جنین گزارش کرده است:
«کنت کنزا مختفی، فأحیيت ان عرف، فخلقت الخلق لا عرف» (الاصول العشیره، ص۳۸).
آن گاه چهره جنجالی و پسر و صدای عالم تصوری، شیخ مخیت الدين این عربی که بیست سال پس از کشته شدن شیخ نجم الدين کبری، در سال ۶۳۸ هجری قمری در گذشت، آن حديث را تفسیر کرد (همانجا) و از این پس بود که حديث به شما خداوند را با هدف شناساندن آفریدگار هنست و از زبان خود او، گنجی پنهانی می‌خواند که دوست داشت شناخته شود و از همین روی، آفریدگان را از تاریکی های عدم به روشنایی های وجود آورده، به جهان نوشته‌های آنها به همین تصویف و اثره، یافته و آنان در کتاب بذیرش پیچون و چرای حديث «کن مختفی» و بر کتاب از هر گونه دوستان، آن را دست می‌ایسته ادعاه و استنادی به در حديث کن مختفی (التجزای الالهی، ص۱۸۴ و ۱۹۲) و گاه با نسبت دادن آن به خدای متعال (الکشفات الملكیه، ج۱، ص۱۲۴ و ...) و سرانجام، گاه با استناد آن به رسول خدا (ص)، از آن سخن گفته است (قصص الحکم، ص۳۲۶)
ابن عربی در چندین اثر خود، گاه به اشاره و بدون اظهار نظری در باره حديث «کن مختفی» (التجزای الالهی، ص۱۸۴) و گاه با نسبت دادن آن به خدای متعال (الکشفات الملكیه، ج۱، ص۱۲۴ و ...) و سرانجام، گاه با استناد آن به رسول خدا (ص)، از آن سخن گفته است (قصص الحکم، ص۳۲۶).
شمس تبریزی (ف.۶۴۵ هجری)، مورد نامی و پر آوازه دنبای گراشی های صوفیانه، در یکی از نوشته‌های خود، به بیهارای از حديث «کن مختفی» اشاره کرده و بیش از این، چیزی درباره آن نگفته است (مقالات شمس تبریزی، ص۱۷۰).
نجم الدين رازی (ف.۵۳۹ هجری)، حديث مورد بحث را بخشی از گفت و گوی خدای معیال با حضرت داوود (ع) و نیز پاسخ او به پرسش این پیامبر در باره چراچرا آفریدش آفریده‌ها دانسته است، نه یک حديث نبی قدسی (میسره العباد، ص۲).
جلال الدين رومی، معروف به مولوی (ف.۶۷۲ هجری)، در یکی از آثار منثور خود، یو
بار از بخشی از حديث مورد بحث، سخن‌گفتگو است، یک بار آن را سخن «حق جلالت‌های خطاب به حضرت محمدی (ع) دانسته (مجلة سبعه، ص: 119)» و یک بار به شتاب و اشاره از کارناگل کشته است (همان، ص: 131).

وی همچنین در در جایی مشنوی بزرگ و جادوگری خود، مضمون حديث «کنز مخفی» را در قلب شعر ریخته است:

گنگ مخفی بید زیری چهک کرده
خاک را تاپانی ترا افتلاح کرد

(منفوی معنوی، دفتر 1، ایبادت 1863-2862)

یکی از دانشمندان بزرگ دهه‌های اخیر نیز در کتاب گردآوری احادیث مشنوی، با اشاره به نخستین بیت از دو بیت یاد شده (حادیث مشنوی، ص: 28)، مستند سروده مولوی را حديث قدسی ای دانسته که بارگو کننده مفت وگوی حضرت زاویه (ع) با خدایوند متعلق به شیخ جرایی آفرینده‌های (همان، ص: 29).

صدارالدین قوئوی (ف: 107 هجری)، در مقام یکی از برجسته‌ترین شاگردان آثار محبی‌الدین ابن عربی نیما نوعی توانتسته است از سخن‌گفتگوی صورت درباره حديث «کنز مخفی» با اشاره‌ای گذار به آن، بر کتاب مبانی، وی در یکی از آثار قرآئی خود که آن را به قصد تفسیر سوره حمید نگاشته، دو بار با اشاره و اقتباس، حبب‌های از حديث یاد شده و در لیستی مندرجات کتاب خود آورده (عجایز الیای، ص: 99 و 128)، و دو بار دیگر، آشکارا آن را حديث نامیده است (همان، ص: 163 و 146).

یکی از شاگردان قوئوی، مؤس‌الدین جنیدی (ف: 690، 700 هجری)، در مقام شرح کتاب فصول الحکم حديث «کنز مخفی» را در شماره‌ای از حديث «مختصر» دانسته، آن را در دو جای اثر خود، سخن خدانی محلال حال در حديث «کتاب الحکم»، مستند سوستان (همان، ص: 25 و 185، وی همچنین، با اشاره به برخی تفاوت های موجود در ترجمه‌ای این حديث (همان، ص: 142، 126، 127، 20، 26 و 679)، است (همان، ص: 142، 126، 127، 20، 26 و 679).

ابوالفارح‌بی‌خزری (ف: 736 فقره)، در یکی از نوشته‌های خود، اشاره‌ای گذار به حديث
کنار مخفیه‌های را نیز به همراه داشته و افزون بر آن چاپ برباند، یکی جزئی از نتایج این مطالعه است (ورودی‌های اخبار، ص 25).

سید حیدر امیری که در سال‌های پس از 1378 قمری بدرود حیات گفت، شاید بیش از همه قلم به دستان و قدم برداشتن قلم‌رو مکتوب ذوق و اشاره، در آثار خود، از حديث «کنار مخفیه» یاد کرده و به یادآوری آن همه جان آن را «توضیح قدسی» تندیس می‌فرموده خدادای متعال دانسته است، وی در یک اثر تفسیری خود که در سه جلد، چاپ و منتشر شده، یک بار حديث مورد بحث را به نام‌های کوشاکان، با خوانی کرده و از آن برای اثبات ادعاهای خود، سود جسته است: در جلد نخست، تحت عنوان «الصور المعقوله في ذهن الإنسان مثال الترسيم الخلقي من الحق تعالى» (تفسیر المحيط الاعظم، ج 1، ص 234) در جلد دوم، تحت عنوان «في النحوين استقاط الاضافات» (هیمان، ج 2، ص 255 و 375) و در جلد سوم، تحت عنوان «فی این غرض الابنیاء و هدف‌های ایصال الخلوك إلى كمال المطلوب» (هیمان، ج 3، ص 107 و 108)؛ «بيان المنايبه الموجه للمحبه بين الحق و الخلوك تقولا» (هیمان، ص 134 و 135)، و «الReached الأصول والذكر والتمثیل» (هیمان، ص 172)، وی، همچنین، در دور اثر دیگر خود نیز به حديث «کنار مخفیه» استناد و نه بار (جامع الامرس، ص 159، 152، 152 154، 154، 159، 159، و 279). در دیگری شش بار (سراهی شریعت، ص 45).

54، 58، 62 و 106 حديث مورد بحث را با داوری و استفاده کرده است.

صانونین بن ترکه - در کل‌شناسی به سال 835 قمری - به یادبود به اشک (پهمید الفواعد، ص 131) و بار دیگر به صرخه (هیمان، ص 131) از حديث «کنار مخفیه» یاد کرده و هر یک از آن برداخته است.

ابوبکر زین خوافی (ف نیمه نخست قرن 9 هجری)، حديث مورد بحث را پا بسی خداوند به بررسی حضرت داوود(ع) در بار نصیراعظم آفریدگان دانسته است (این برگه‌های پیر 157).

شیخ حافظ رجب برسی که در هیمان قرن می‌زیست، حديث مورد بحث را ساخن خدادای متعال و در شمار «قدسیات» دانسته است (مشارک انوار الیقین، ص 27).
معین الدین فراهی هروی - در گذشته سال ۹۰۸ قمری - دوبار به هزاره گذرا، تنه قطعه‌ای که به عنوان مخفی را به‌طور مکرر از گردیده است (تفصیل حدائق الحقائق، ص ۴۴ و ۴۶۹).

دهداد شیرازی (ف ۱۰۱۶ هجری) یکبار به اشاره، تنه قطعه‌ای فاحشان از اعراف را یادآورد و در تاریخی از این است که می‌گوید میزان لاله پیداش (ف ۲۲ هجری) تنه پیش «کنتر کنتر» را مورد اشاره قرار داده است و بسیار از این، چنین برآن نیاز نداشت است (تمام تاریخِ قدیس، ص ۳۲۳).

سلطان محمد گنبادی (ف ۱۳۲۷ هجری) نیز حداثت کنتر مخفی را (حدود قدیس) دانسته است (بیان السعاده، ج ۲، ص ۱۱۴).

۳. حداثت «کنتر مخفی» در آثار اهل حدیث

گویا نخستین کسی که در برابر حسن ظریف‌اله، تصور و پیروان مکتب ذوک و عارف به حدیث کنتر مخفی ایستاده و گرایش‌های غریب آنان را بداند. دست مایه لغت‌های خود قرار داده است، ابن تیمور، دانشمند بر کار، خالق آثار متعدد و متنوع، صاحب‌نظر در علوم گوناگون، و نویسنده صریح و جنجالی نیمه دوم قرن هفتم و نیمه نخست قرن هشتم هجری باشند. وی که - به‌گمان خود - در مسیرِ بسیاری، دین ناب از نست و نفوذ اندیشه‌های بیگانه، با پیروان گراشی، های گوناگون دست و پنجه نرم کرد، با صوفیه و اندیشه‌های اهل سنت به‌کم‌آمد و کشف‌های در آریجت، و این رویکرد را با کارفرآین و وفاداران به مکتب او نیز در ارتباط با صوفیان، دنبال کردن. (دائم المعرفة بزرگ اسلامی، ۱۷۲۳)

از این پس بود که حدیث کنتر مخفی نیز در کانون توجهات کسانی قرار گرفت که در زمینه احادیث شهره و مشهور، سؤال و پاسخ منفی ای را که ابن تیمور به راه این حدیث گرفته و آن را به اساس خوانده بوده، پذیرفتند. کسانی چون:

بی‌باصل و نه در گذشته سال ۹۰۸ قمری، دوبار به هزاره گذرا، تنه قطعه‌ای که به عنوان مخفی را به‌طور مکرر از گردیده است (تفصیل حدائق الحقائق، ص ۴۴ و ۴۶۹).

دهداد شیرازی (ف ۱۰۱۶ هجری) یکبار به اشاره، تنه قطعه‌ای فاحشان از اعراف را یادآورد و در تاریخی از این است که می‌گوید میزان لاله پیداش (ف ۲۲ هجری) تنه پیش «کنتر کنتر» را مورد اشاره قرار داده است و بسیار از این، چنین برآن نیاز نداشت است (تمام تاریخِ قدیس، ص ۳۲۳).

سلطان محمد گنبادی (ف ۱۳۲۷ هجری) نیز حداثت کنتر مخفی را (حدود قدیس) دانسته است (بیان السعاده، ج ۲، ص ۱۱۴).

۳. حداثت «کنتر مخفی» در آثار اهل حدیث

گویا نخستین کسی که در برابر حسن ظریف‌اله، تصور و پیروان مکتب ذوک و عارف به حدیث کنتر مخفی ایستاده و گرایش‌های غریب آنان را بداند. دست مایه لغت‌های خود قرار داده است، ابن تیمور، دانشمند بر کار، خالق آثار متعدد و متنوع، صاحب‌نظر در علوم گوناگون، و نویسنده صریح و جنجالی نیمه دوم قرن هفتم و نیمه نخست قرن هشتم هجری باشند. وی که - به‌گمان خود - در مسیرِ بسیاری، دین ناب از نست و نفوذ اندیشه‌های بیگانه، با پیروان گراشی، های گوناگون دست و پنجه نرم کرد، با صوفیه و اندیشه‌های اهل سنت به‌کم‌آمد و کشف‌های در آریجت، و این رویکرد را با کارفرآین و وفاداران به مکتب او نیز در ارتباط با صوفیان، دنبال کردن. (دائم المعرفة بزرگ اسلامی، ۱۷۲۳)

از این پس بود که حدیث کنتر مخفی نیز در کانون توجهات کسانی قرار گرفت که در زمینه احادیث شهره و مشهور، سؤال و پاسخ منفی ای را که ابن تیمور به راه این حدیث گرفته و آن را به اساس خوانده بوده، پذیرفتند. کسانی چون:
سخاوی (ف. 902 هجری)، پس از بیان متن حدیث و مرده بحث، به گزارش واکنش این تیمیه و نیز زرکشی و این حفر عقلانی - به دنبال این که حدیث «مخفی» را بی پایه و بدون سند بر شمرده و آن را سخن رسول خدا (ص) نداشت‌- بسندہ گردیده است (المقاصد الحسن، ص 233).

سمهودی (ف. 911 هجری)، بسندہ گردیده است (المقاصد الحسن، ص 233).

بیان را بی ریشه و اساس دانسته است (الغماز على المزار، ص 173).

سویطی (ف. 911 هجری)، بسنده گردیده است (الغریبه، ص 237).

شیبانی شافعی (ف. 944 هجری)، نتها به بیان موضوع گیری منفی این تیمیه و پذیرش آن از سوی زرکشی و این حفر عقلانی، بسنده گردیده است (تمامیت الطبیب، ص 142).

این حدیث از خود نشان داده است (الشذله، ج 2، ص 51).

کاتانی (ف. 963 هجری)، پس از بیان متن حدیث، به گزارش این تیمیه، دایر بر ساختمان بودن آن، بسنده گردیده است (تذیب الشیریه، ج 1، ص 148).

قاری (ف. 1014 هجری)، پس از گزارش واکنش این تیمیه و پذیرش آن از سوی زرکشی و این حفر عقلانی، امرار المروفه، ص 279، متن و محتوای حدیث مورد بحث را درست و پذیرفتند خوانند. و آن را قابل برداشت از آن ۵۴ سورة داریات دانسته است، او در این مسيره، به تفسیری گزارش شده از این عیاس، استناد کردند (همان جا).

الته، مصباح دانشمند کتاب بایده‌دار و نویسنده بانوشت‌های آن، محمد بن لتغی

صباغ، از پذیرافتین متن و محتوای حدیث و مرده بحث از سوی ملا علی قاری، دچار شگفتی شد و آن را با صفات خدا و امام بر نبی برداشت‌ه است. وی: همچنین تفسیری را به سببی از مفسّران هنگام برداختن به آیه ۵۴ سورة داریات، به این عیاس نسبت می‌دهند، شایسته درنگ و کاووش بیشتری بر شمرده است (همان، بانوشت شماره ۶).
عجلوني (ف 132 هجري)، همان وانکش پادشاه نشان داده (کشف الخفاء، ج، ص 173) و آن گاه در کنار گزارش سخن مالا علی قاری و تعبر مشهوری که از حديث "کنز مخفی" بر سر زبان هاست، حديث مورد بحث را دارای کاربرد فراوانی در میان صوفیان دانسته، آن را به وسط اندیشه‌های آنان بر شمرده است (همان).

سيد عبدالله شیر، محدث شیعی مذهب (ف 122 هجري)، تنا کمی است که در میان آفرینندگان آثار حديثی، به این حديث روى خوش نشان داده، آن را حديث قدسي" دانسته است (مصاحبه الیٰ، ص 2، ص 20). وی همچنین به یک اشکال وارد بر متن حديث کوچش داده، پاسخ گفت و آن را به دو دلیل نبایرته است (بمان).

محمد درویش حوت (ف 177 هجري)، پس از یانکش وانکش ابن تیمیه و دیگران در برای حديث مورد بحث (اسبوع المطلب، ص 124)، یادآور می‌گردد که کلمات اهل تصوف به خاطر سهل انگاری ای که به خرج می‌دهند، آن را در شمار "احادیث قدسیه" می‌دانند (همان).

یکی از می‌سندگان معاصر نیز که با عایش به آغاز احادیث شریف نبوی، فهرستی از آن‌ها را فراهم آورده، دو تعاونی از حديث مورد بحث را با پایان مصادر آن دو، یادآوری کرده است. به‌ندرک در نیز می‌سندگان معاصر نیز که کستره‌ترین اثر را در موضوع احادیث و آثار ضعیف با موضوع یا مطول سلیقه اهل سنتر از گرداوردو اند. دو تعاونی از حديث "کنز مخفی" را یادآوری و به مصادر هر یک از آن دو بیان اشاره کرده‌اند که افزون بر برخی منابع که تا کنون آن‌ها را نام برده‌ایم، بذلیان قرارند:

1. ابن تیمیه، احادیث القصاص، ش 3.
2. محمد بشیر ازهری، تجزیه المسلمین من الاحادیث الموضوعة على سبیل المرسلین، ش 187.
3. زرکشی، التذكرة في الاحادیث المشهورة (الثنائي المتبرئة في الاحادیث
المشهور، ش.۱۳۶.
۴. جلال الدين سبوطي، ذيل اللائكي المصنوع، ش.۲۰۳.
۵. سليم هلالي، سلسله الاحاديث التي لاصقل لها، ش.۲.
۶. محمد سندرсы، الكشف الالهي عن شديد الضعف والموضوع واللواهي، ش۷۰۸.
۷. محمد بن عبد الباقى زرقانى، مختصر المقاصد الحسنة في بيان كثرة من الأحاديث المشهور على الأئمة، ش۷۷.
۸. علی قارى، المصنوع في معرفة الحديث الموضوع، ش۷۳.
۹. محمد ابراهيم رحمة الله عليه، النخبة البهية في الأحاديث المكذوبة على خير البرية، ش۲۴۵.
۱۰. نعم الدين غری عماری، ابن ماجس من الاخبار الدائرة على الأئمة، ش۱۳۸.
۱۱. محمد بن خليل قاويچی، اللواحق الموضوع فيما لا أصل له أو باصله موضوع، ش۴۱۶.
۱۲. عبدالمالك جری، المسحور من الحديث الموضوع والضعف والبديل الصحيح، ش۹.
۱۳. محمد ابن احد صعیدی عدنی، المواقف العظيمة في الأحاديث المشهور، ش۱۳۸۷.
۱۴. عمر ابن حسن فلاته، الوضع في الحديث، ج۱.۵.

بدین ترتیب باید ادعاى كرد كه حديث «کن مخلوق» دست كم از زاويه نقد سندى. پذیرفتنی نیست و به اصطلاح اهل حديث صحیح صدور ندارد. ایتله ناگفتته بی‌داست. نخستین خودمانی حديثی كه به قربه پیش‌ترازی اهل سنت در نقلش، باید فروده رسول خدا (ص) و نحوه باشند، در قرن ششم هجری، اکنون هم در اثر عین القضات، نه در نوشته‌های یک متخصص فن حديث و درايت، برسن بر اکثریت و تردید‌آفرین است. چه چیز خلاف قرن فاصله زمانی میان صدور احتمالی این سخن و استنادهای بعدی بدان را بر می‌کنید؟!

این نکته سوگندانه یا نیز نباید نادیده گرفته که حديث سازی و مستنداتی از سوی هوازمان برخی از دانش‌ها وارداتی به جهان اسلام، رخدادی بی سابقه و یا دست کم یادآوری نشده نیست، محقق خواننده‌ای پس از آن که حديث «صور عاریه» را در شش
فراز شرح می‌دهد (شرح غرب الحكم، ج. ۴، ص. ۲۸۰-۲۸۲)، می‌فرماید:

(آمده آتگیری شد و ظاهر می‌شود که کلام، مؤیدن‌جان این اصل از حکم‌ها می‌تواند
شد، نهایت، نسبت آن به آن حضرت [امام علی(ع)] صلوات الله و سلامه علیه ثابت نیست، بلکه
گمان حکیر این است که کلام بکی از حکما بوهد که بعضا برای ترتیب آن، نسبت به آن حضرت
داده و الله تعالی بعلم) (هیام، ص. ۳۲۱) محدث اروموی نیز با سخنی برخاسته از حالتی ترکیک
به علم و یافن، سخن محقق به‌دشده را تاهمدی می‌کند (هیام، در پانورست).

همچنین ابوعبدالرحمن سلمی پس از آن که تفسیر جنجال برانگیز خود، حقائق الافسفیر،
رانگاشت، از آنهم وضع حديث به سود صوفیان و اهل تصور بر کتاب نمی‌داند(الطائف الافسیرات
ج. ۲۴) چنان که این تبعه او را دروغ نیست (تنها الجعفر) نوشته، (طبقات المفسیرین، ص
۳۸۷) ابوالحسن واحدی (سری علام الیناه، ج. ۱۷، ص. ۲۸۵) و دیگر (میرزا العتادال، ح
۳۸۰) نیز و تفسیرش را به تنید کرده‌اند (العلام، ج. ۸۰).

با آن‌همه، آنچه گفتند شد، در حوزه نقده سندي حديث (کذب مخفی) بوده است و
همین‌جا با پاید ادواری کنیم که به گزارش آلوسی، حتی راویان صوفی مأث حديث نیز به
عدم ثبوت نقل آن، معتقدند (روح العیانی، ج. ۲۲، ص. ۲۲)، اما از زاویه نقده می‌توان بايد دو
نکته را در نظر داشت:

۱. حديث (کذب مخفی) به لحاظ متن، حديثی (مضطرب) به شمار می‌رود از آمرایا فرار و
نشیب‌های به‌سیاری که وحدت مضمونی آن را اساس دارند، نقشه این است و برای پی
بردن بد‌نارسایی، مراجعه به آثار صوفیان و محدثانی که در آغاز این نوشتار، از آنان یاد
کرده‌اند، کفایت می‌کند.

۲. به رغم ملاحظات پیش گفت‌گو، گریه از دانش‌شناسی محدث و دیگران، پیام و محتوا
حدث (کذب مخفی) را با وجود خدش‌های سنندی ای که دارد، پذیرفته دانسته‌اند: محمد
نفرد مسیحی، پرده مخفی (البصر المتنی، ج. ۷، ص. ۲۷۰) و محمد میان مردم، به داشتن گرایش‌های
صوفیانی، مشهور شده بود (قصص العواء، ص. ۳۳۳) سید عبدالله شیری (مصائب الالزور،
ج. ۳، ص. ۴۰۵)، ملا علی قاری (الاسرار المرفوع، ص. ۲۷۹) علامت‌الدین طبری (کامل بهانی،
ج (ص 24) رجب بررسی (مشارک انتشار لیقین، ص 17) محمد بن خلیل قاوشچی (لزؤو
الموضوع، ش 416) نیز؛ احترام منتوی، ص 29) قاضی نور الله شاوشتری، فقهی
دارای گرایش‌های صوفیانه، (احفاح الحق، ج 1، ص 431-432) ریاض
العلماء، ج 5، ص 265) و ابوعبدالله شیعی (مصایح القلب، ص 193) کسانی اند که به
مضمون این حديث روی خوش نشان داده. یا بدان استند کرد و یا اشکالات متوجه
بدان را پاسخ گفته‌اند.
شاید رمز این گمان نیکو و حسن ظن به مضمون حديث باید شده، برداختن
برخی مفسران قرآن کریم به این حديث و باید کردند از آن در لایه‌ای نوشته‌های
خود باشد. گرایش‌ها این یادآوری ها، تفسیر آیه ۶۶ از ترجمه‌ای است: گما
خلقت الحق و البس لا لببون، تفسیر این آیه سیفی، از آنجا که هدف خداوند
مطالع را از آفرینش آفرینش‌های دارای شعور و طبعاً مکلف، عبادات و بنگذی می‌داند.
و از سوی دیگر، یکی از مفسران مثل گان نظری تفسیر که شاگرد یک صاحبی نامدار
و پر آوازه بود، عبادات و بنگذی را در این جا به عرفان و شناخت، تفسیر با تأویل
کرده است، از دیر بارتا کنون، آمیخته با پادکردی زود گذر با درنگ آمیز از حديث یاد
شده بوده است؛ و هم از این روست که فیروز‌رایی (تفسیر کبیر، ج 100، ص 194).
آلوسی (روح المنعی، ج 27، ص 22) مراغی (تفسیر المراکی، ج 72، ص 13)،
مگنی (النفس الکاشف، ج 7، ص 159) و دکتر زینبی (النفس المثنی، ج 27.
ص ۴۸) همگان تفسیر آیه بیش گفته، به حديث «کنز مختیار» اشاره و یا استناد کرده‌اند.
بلهکه که این تفسیرها و توجیه‌ها تهی می‌تواند فردا «نقلت الخلق لاعرف» را از
کل حديث مورد بحث بذیرفتنی جله دهد، نه سر تبا پای آن را.
با این همه، درک متن حديث «کنز مختیار» و تفسیر مضمون آن، با دشواری هایی
همراه و آمیخته است؛ و از آن کشور دارد، واز های
اختلاف بانکی است که از یک سو، در عرضه علم لغت، تفسیرهای گوناگون و
نامگونی از آن ارائه کرده‌اند ؛ و از سوی دیگر، مفهوم آن، دست مایا انتقاده‌ای به
مضمون حديث مورد بحث شده و کسانی چون سید عبده الله شیری (مصایح الانوار،
ج۲ ص۲۴۸ و آلوسی (روح المعانی، ج۲، ص۱۷) را برای پاسخ دادن بدانیم.

به تکایپ و تُسگنا انداده است.

مهمتر از همی، صوفیان و اهل کشف و اشاره از دیپوزی زیبا حساب نمایند
برای بیان اندیشه‌ها و دعاوی خود برگزیده‌اند؛ آنان - شاید به پشتیبانی تحریم تلخی
که از تخفیه و اعمال دیکر سران خود به دنبال آتشکار شدن مکونان قلی آنان
داشتند - به یادی بردازی های ویژه و ادبیاتی منحصر به فردی آورده‌اند که
پیش‌اپاتنده ترین شخص آن، پیچیده‌گی‌های رزم و راز آمیز سخن‌گفتی دارای
معیارهای فضاحت از جمله همیه مهم بودن است.

چنین شگردی با اضطراری، بر خورد دار از دو پیام نیکوست، نخست آن که
رویارویی با چنین سخنانی، راه‌های انسانی اشکال و تقید را بر روی شونده‌ها
خوانده می‌بندد، یکی از اساساً یکی از آن همی فهمید تا در ترازی تقدشان نهاد
دیگر آن که همکس بدان سخنان خدشانی ای کند و نقدی بر آن ها روا دارند. به درنگ
و با گمان، به نفی‌می‌داند، مصادف صوفیان و اهل اشاره‌ها به‌مهم می‌شود و چاره‌ای جز
خاموشی ندارد و گرنه هم‌واره پاپاک خود را محکوم یافی رجز رسو اکننده بدانند
آن کس است اهل شبارک که اشتر داده، نکته‌ها هستی به‌سر محرام ام‌ام کجاست؟!

بر هیمن اساس است که بیشتر ذکریاتی که از دعافاهای گراف و بی‌صل بارخ
پزشکان عالم تقصوف می‌شورند، مبینی بر یک استدلال دقيق نیست که تسای ریشه در
پیک استثنا عمیق داشته باشد. به این ترتیب، اگر در جایی می‌خواهیم یا از کسی
می‌شومیم که فصول الحکم، کتاب یس و صدای ابن عربی، ۱۰۱ شرح در زبان عربی
عبري، فارسی و تركی به خود دیده است ۵ هنوز هم نمی‌توان کسی را یافته که
مدعی مقطعنی نفس درک عبارات های آن باشد. چنین نباید شگفت زده شویم.

چنین روابطی در شرح و تفسیر حاضر و کنخ مخفی نیست خودنامه‌ای کرده
است؛ آلوسی پس از نقل این عبارت های ابن عربی که از او تجربه و تکمیل هم یاد
می‌کند: این تا بی‌ریزی که در عالمی من هو علی صورتی الحق ما حصل المقصودی هم
علم
بالحق اخوان علم الحادث في قوله: «کنتم کتbane اللخ، فجعل نفسه کتban، والکن لا يكون الا وکتban في شيء، فلم يكن کن به الحق نفسه الا في صورته، الإنسان الكامل في شئيته ثبوتاء هناك، کان الحق مکتban، فلما البس الحق الإنسان شئيته الوجود الکنز ظهوره، فعرف الأنسان الكامل بوجوده، وعلم أنه سبحانه كان مکتban به في شئيته ثبوتاء، وهو لا يشعر به».روح المعاني، ج 27 ص 26، درمانده از درک این معلق گویی ها، می گوید: «و هو منطق الطیر الذي لا تعرفه! این سنن، مصدق سنن گفتند که ما زان، سر در نمای آورین» (همانجا). به زبان دیگر، آلوسی فهم اذاعتی بازتاب یافته در عبارت برادری های صوفیان را وابسته به داشتن زرنگی خرد و گسترده دانش حضرت سلیمان (ع) می داند که حتی از زبان پرندگان ها هم سر در می آورد و صادقانه می فرمود: «علما منطق الطیر (سورة نمل، آیه 16).»

در پایان و در مقام جمع بنگدن، بالی گفت: حديث گفت مخزفی! با توجه به معارفهای سلامت سنن و صحبت صدور احادیث، به همی روز، در اندازه یک حديث و سنن رسول خدا (ص)، بذریفتی نبست و برگزی تام مذعیان و یا خواستنی و خوشتیند جله کردن متن آن، نمی تواند ردار حديث و روایت بودن را بر ادامه آن بیوسناد

البته، پیام حديث محور بحث، به رغم آن که تفاسیر صوفیان و اهل اشاره از آن نارسا و نامهای این است، بالا گذار و گویای بیست و حدیث نبودن یک سنن، الازاماً به معنای مهم یا مردود بودن، آن نبست و یا گمان، چند و چون در برخی فراهاي این حديث و یا مدتی ادعایی در آن که به خداوند متعال نسبت داده شده، نیازی ندارد در چون مباحثی نقوی، ادبی، کلامی و فلسفی است که هم چای دیگری می خواهد و هم شایسته توانندی های علمی کسانی است که صاحب این قلم هزگر خود را در شمار آنان نمی شمارد.
پی نوشت‌ها:

1. جهانگردی بهتر از ابن سینا کوته و کوبای صوفی پرآوازه، ابوسعید ابوالخیر که انکه نصوص

الما فصار قلماء؛ نصوص در آزاد درج بود، سپس قلم شد (اسرارالتوحید، ص 32).

2. موسمه افراح الحدیث النبوی الشهیف، ج 6، ص 207.

3. موسمه الاحادیث و الآثار الضعیفة و الموضوعه، ج 1، ص 246 - 297، ص 246 و 247.

4. در باره حدیث مضطرب بنگرید به تدریب الراوی، ج 1، ص 246 - 247.

5. بنگرید به لغت نامه هایی جون: لسان العرب، تاج العروس، کتاب شعرا و ...، رک: مجموع

البیان، ج 7، ص 141.

6. برای نمونه بنگرید به فصول النعلوم، ص 324 و 325.

7. بنگرید به فصول الحكم، مقدمه، ص 156، الواقت و الجواهر، ص 36.

8. بنگرید به شرح فصول الحكم جنید، مقدمه، ص 156 و هسته، و نه (نشر دانشگاه

مشهد).

9. بنگرید به فصول الحكم، مقدمه، ص 15 و 16.

منابع:

- قرآن کریم.

- احادیث منثوری؛ دیده‌های زمان فروزانفر، ج 2، امیرکبیر، تهران، بی‌تا.

- احقاق الحق و ازهار الباطل، قاضی نورالله شوشتری، بی‌چا، کتاب خانه آیت الله مرعشی نجفی،

قم، بی‌تا.

- اسرار التوحیدی در مقدمات الشیخ ابی سعید؛ محمد بن منور مهنی، ج 5، امیرکبیر، تهران، 1361.

- اسرار التوحیدی و اطهار الطریقة و امور الحقيقة، سید حبیب الامام، بی‌چا و زارعت فرهنگ و آموخت

عالی، تهران، بی‌تا.

- اسیرار الموقعة فی الاخبار الموضوعه؛ میلی فاریج، ج 2، المکتب الإسلامی، بیروت، 1406 ق.

- استیان المطلب فی احادیث مختلفه المراقب؛ محمد درویش حوت، ج 2، دار الكتاب العربي، بیروت

1373.

- الاصول العقیدة نجم الدين کریم، ج 1، مولی، تهران 1363.

- جامع اللفظ فی تأويل م القرآن؛ صدر الدين فرهنگ، ج 1، بوستان کتاب، قم، 1381.

- الإعلام، خیر الدين زکی، ج 10، دار العلم للملايين، بیروت 1992م.

- اوراد الاحدیش و نصوص الفعداء؛ ابوالمافارخ بالخزی، بی‌چا، دانشگاه تهران، تهران، 1345.
- ابن گرگهای پیاز؛ نجیب ملی هرودی، ج1، نشر نی، تهران، ۱۳۸۱.
- بنیان مشعشعه در مقدمات البیان؛ سلطان محمد گنابادی، ج2، مؤسسه‌العلamy للمنتشرات، بروت. ۱۳۸۸.
- تفسیر حداد التحقاق؛ معین الدین فراهی هرودی، ج1، دانشگاه تهران، تهران، ت.آ.
- التفسیر الكاهف؛ محمد جواد معینی، ج1، دارالعلم للمناهیج، بروت، ۱۳۸۰.
- التفسیر الكبير؛ فخر رازی، ج1، دار احياء التراث العربي، بروت. ۱۳۴۵.
- تفسیر المحيط الاعظم و البحر الخضمی؛ فی تأریخ کتاب الله العزيز المحکم، سید حسن کامبیز، ج1.
- موسسه فرهنگی و نشر نور در نور، قم، ۱۳۸۵.
- تفسیر السنی؛ حامد مصطفی مراغی، ج2، دار احياء التراث العربي، بروت. ۱۹۸۵.
- التفسیر المبین في العقیدة، والشريعة، والمنهج؛ ویسه زهرا، ج1، دار الفكر المعاصر و دار الفكر، پیروت و دمشق. ۱۳۸۱.
- تمین الفعاء؛ صانع الدین بن ترک، ج2، پوستن کتاب، قم، ۱۳۸۱.
- تمیز الطبیعین؛ فیما بدور على السنة الناس من الحديث؛ عبد‌الرحمن بن علی شیبانی، ج1، شافعی، سوم. دارالکتب العلمیه، بروت. ۱۳۸۹.
- تنزیه الشرعیة المفوعة عن الایمان الی شیعیة الموضوعة؛ علی بن محمد کناتی، ج2، دارالکتب العلمیه، بروت. ۱۳۸۱.
- وثبات الفقهی؛ من شجرات الاسم؛ میرزاعالی بی‌لعلی بدخشی، ج1، ویروسکامع علم التاسیع و مطالعات فرهنگی، تهران. ۱۳۷۶.
- جامع العسیر و منب بیان‌الآواز؛ سید حسین جهری، ج2، وزارت فرهنگ و آموزش عالی و انجمن ایران اسلامی، جامعه فرهنگی، تهران. ۱۳۸۸.
- دائرة المعارف برزگ اسلامی؛ جمعی از محققین، ج1، مركز دائرة المعارف برزگ اسلامی، لاهور، ۱۳۶۵-۷۶.
- الترسیم النزفی؛ فی الحالات المشهورة، جلال الدین سیوطي، ج1، دار الفكر، بروت، ۱۳۸۱.
- رساله لوح؛ معین القضاوت همدانی، ج1، کتاب خانه منچهری، تهران، ب.ن. ۱۳۸۸.
- رسائل دهدار؛ دهدار شیرازی، ج1، نشر نمایندگی مکتب، تهران. ۱۳۷۵.
- روح المنعیة فی تفسیر القرآن العظیم و السیف المنانی؛ سید محمود آل‌سیفی‌بوداغی، ب.ن. دار احياء التراث العربي، بروت، بث.
روضه المتقینین می‌دانم در شرح اخبار ایشان معصومین: محمد تقی مدرس، بی‌چا، بنیاد فرهنگ اسلامی,
کوشان‌یار، تهران، ناشر، ۱۳۴۰، ۸۸ صفحه.

- حیات عامیانه و حیات الفضلاء: میرزا عبداللله افندری، بی‌چا، کتاب خانه آیت الله مرعشی نجفی،
قم، ۱۳۴۰، ۸۸ صفحه.

- مجموعه آثار استاد محمد تقی مدرس، بی‌چا، نشر آینه تهران، ۱۳۵۵، ۴ جلد، ۱۳۵۵، ۸۸ صفحه.

- حکایت‌های علماء: میرزا محمد تقی مدرس، بی‌چا، نشر آینه تهران، ۱۳۵۵، ۴ جلد، ۱۳۵۵، ۸۸ صفحه.

- مجموعه آثار استاد محمد تقی مدرس، بی‌چا، نشر آینه تهران، ۱۳۵۵، ۴ جلد، ۱۳۵۵، ۸۸ صفحه.

- مجموعه آثار استاد محمد تقی مدرس، بی‌چا، نشر آینه تهران، ۱۳۵۵، ۴ جلد، ۱۳۵۵، ۸۸ صفحه.

- مجموعه آثار استاد محمد تقی مدرس، بی‌چا، نشر آینه تهران، ۱۳۵۵، ۴ جلد، ۱۳۵۵، ۸۸ صفحه.
- مصایح الانوار در حل مشکلات الکترون: صدی عبد الله شیخ، ج.1، مؤسسه النور للمطبوعات، بروت، 1384ق.
- مصایح القلب، ابوسعید شیخی مبازاری: ج.1. مرکز نشر میراث مکتوب، تهران، 1383ق.
- المقاصد البخشینفا، الکترون: علی الیاسی: محمد بن عبدالرحمن سخاوی، ج.1، دارالکتب العلمیه، بروت، 1407ق.
- مقالات شمس تبریزی: شمس الدین تبریزی، چ.1، مؤسسه مطبوعاتی عطایی، تهران، 1349ق.
- مراعات تربیتی و الآثار السابقة و الموضوعة و تعمیر مسجد، ابراهیم قیسی و علمی حسین جهانی، ج.1، مکتب المعارف للنشر و التوزیع، ریاض، 1371ق.
- موسیقی الانوار و جهان: علی ابراهیم، محمد سعید بن سیبی، زاغول، ج.1، دارالفکر للطباع و النشر، و دارالکتب العلمیه، بروت، 1438ق.
- مهاران الاعتدال في نقد الزمان: ابو عبدالله ذهبي، چ.1، دارالمعرفه للطباعة و النشر، بروت، چ.1.
- البیانات و الجواهر في بيان عقائد الاکابر: عبدالوهاب شیری، چ.1، دار احياء التراث العربي، بروت، چ.1.

◆